

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

**۱۸۶**

۲۳ آبان ۱۳۸۲

۱۴ نوامبر ۲۰۰۳

**جمعه ها منتشر میشود**

**www.haftegi.com**

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

## کارگران نفت علیه حکومت باید به میدان بیایند

فاتح بهرامی

مبارزه و اعتراض هماهنگ کارگران پتروشیمی علیه انتقالشان به بخش خصوصی و نتیجه تاکنونی آن یعنی عقب نشینی دولت و مسئولین پتروشیمی، بار دیگر شاخص هائی از وضعیت حکومت اسلامی در جامعه و موقعیت آن در قبال کارگران و قدرت بالقوه طبقه کارگر و بویژه نقش کارگر صنعت نفت در مقابل رژیم را ترسیم میکند. از طرفی رژیم در متن تلاشهای عبث برای خروج از بحران شدید و لاعلاج اقتصادی ضمن اینکه کابوس بحرکت در آمدن کارگر نفت راحتش نمیکند برای تضعیف و تکه تکه کردن کارگران نفت قدم برداشته است. از سوی دیگر کارگران که دست رژیم را خوانده بودند و از همان زمان مطرح شدن پروژه "اصلاح ساختار نفت" که بهر درجه ای مقابل رژیم ایستادند و اعتراض کردند، رژیم عقب نشست و به آرامی برای متحقیق کردن اهدافش حرکت کرد. امروز هم اعتراض یکپارچه کارگران، رژیم و مسئولین پتروشیمی را فعلا به عقب نشینی مجبور کرده و در تلاش است باز هم کارگران را سر بدواند و سرشان شیره بمالد. اما اعتراض کارگران ادامه دارد و میگویند که فریب نمیخورند، و بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران روز ۲۱ آبان نیز کارگران پتروشیمی در اراک و اصفهان و خارك دست از کار کشیدند و در اراک کارگران باز هم در تجمع خود اعلام کردند که گزارش مستجاب الدعوه، مدیر پتروشیمی، به کارگران مبنی بر مهلت ۴ ماهه وزیر نفت برای انتقال کارگران پتروشیمی اراک به دیگر شرکتهای دولتی پتروشیمی آنان را قانع نمیکند و برای پیشبرد خواستههای خود ۲۰ نفر نماینده انتخاب کردند.

کارگران نفت باید قدرتشان را به رژیم نشان بدهند. این يك واقعیت است و هزار بار رژیم نشان داده که بدون اعتراض قدرتمند و متحد کارگران رژیم از هیچ تعرضی به حقوق و حرمت آنان فرو گذار نمیکند. رژیم به سراغ کارگران نفت هم آمده است، دیگر صرفا دفاع از وضع موجود، وضعی که طبقه کارگر را به فلاکت تمام

صفحه ۳

## "خصوصی سازیها" و اعتراضات کارگران پتروشیمی

کاظم نیکخواه

اعتراضات کارگران پتروشیمی اراک و اصفهان و خارك فصل جدیدی را در مبارزه علیه بییکارسازیها و سیاست "خصوصی سازیهای" جمهوری اسلامی گشوده است. در واقع این اعتراضات حکومت اسلامی را در منگنه و مخصمه قرار داده است. کارگران پتروشیمی از روز پنجم آبان ماه دست به تجمع و اعتصاب و اعتراض زدند و خواستار این شدند که طرح انتقال کارگران به بخش خصوصی رسماً لغو شود. کارگران در پاسخ به نامه نعمت زاده رئیس پتروشیمی که گفته



بود "کارگران پتروشیمی های اراک و خارك و اصفهان به همراه کارخانه های پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل میشوند و دولت هیچ مسئولیتی در قبال آنها ندارد"، اعلام کردند که "ما ماشین نیستیم که به همراه

صفحه ۲

## از طالبان تا جمهوری اسلامی افغانستان! صفحه ۴

انترناسیونال هفتگی

ضمیمه ۱۸۶

حاوی نظرات

اعضای

کمیته مرکزی حزب

درباره کنگره چهارم

منتشر شد.

### شماره تلفن های تماس برای شرکت در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

انگلستان: ۰۰۴۴-۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲۳۷

آلمان: ۰۰۴۹-۱۷۹ ۹۴۶ ۷۸۰۱-۲

سوئد: ۰۷۳ ۹۸۶ ۸۰۵۱

فنلاند: ۰۵۰ ۳۵ ۷۳ ۵۶۴

نروژ: ۰۰۴۷ ۹۲۰ ۶۲۵۴۱

## ۲۹ و ۳۰ نوامبر کنفرانس دوم "اول کودکان" صفحه ۲

فاتح شیخ الاسلامی



## خاورمیانه: میدان اصلی جنگ قطب های جهانی تروریسم

در حاشیه سخنان اخیر بوش  
حول دمکراسی در خاورمیانه

برزینسکی بنیان سیاست های او در عراق و خاورمیانه را بباد حمله گرفته اند. همچنین با نزدیک شدن انتخابات رئیس جمهوری، ارزیابی کارنامه بوش

صفحه ۳

برنامگی جناح راست هیات حاکمه آمریکا بر بخش بخش این سخنرانی پیدا بود. در پی ناکامی ها و مخصمه های روزافزون بوش در عراق، رقبای سیاسی اش در حزب دمکرات و "استراتژیست" هایی چون

سخنرانی پنجشنبه گذشته بوش حول "پیشبرد دمکراسی در خاورمیانه" آنقدر بی سرتوه و بیربط به واقعیت بود که در میدیای غرب هم بدون رعایت "نزاکت سیاسی" به تمسخر کشیده شد. مهر درماندگی و بی

## آزادی برابری حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ "خصوصی سازیها" ...

کارخانه فروخته شوم. ما کارگرم و با صنعت نفت قرارداد داریم. با دامنه گرفتن اعتراضات و ورود چندین هزار کارگر پتروشیمی در مجتمع های اراک و اصفهان و خارك به اعتراض و تجمع و اعتصاب، حکومت اسلامی به مخمصه افتاد. معاون رئیس پتروشیمی را روانه کردند که در نامه ای بنویسد: "کارکنان پتروشیمی منتقل نمیشوند و کارگران و کارکنان میتوانند بین ماندن تحت صنعت نفت، انتقال، و بازخرد خود یکی را انتخاب کنند." اما این نامه نتوانست کارگران را آرام کند و به سر کار بازگرداند. زیرا کارگران میدانند که این خصوصی سازی و تمام عواقب و نتایج آن که یکی از آنها بیکارسازی وسیع کارگران است، تاریخی طولانی دارد و به این سادگی نیست که معاون پتروشیمی بنویسد طرح پس گرفته شده است و تمام شود.

## داستان "خصوصی سازیها"

خصوصی سازی پتروشیمی جزئی از طرح "اصلاح ساختار صنعت نفت" است که در سال ۷۷ به تصویب رسید و در سال ۷۸ رژیم اسلامی تلاش کرد آنرا به اجرا بگذارد. این موج اعتراضات کارگران نفت بود که باعث شد حکومت در آن زمان طرحش را معلق کند و تا مدتی سخنی از آن نگوید. اما پس از حدود یک سال دوباره همان طرح کذائی بطور خزنده به اجرا گذاشته شد و شمار زیادی از کارگران و کارکنان صنایع و شرکتهای وابسته به نفت از جمله شرکت خدمات و پشتیبانی صنعت نفت و فروشگاههای زنجیره ای، شرکت سهامی ملی گاز، پالایشگاه آبادان و شرکت خدمات اکتشاف نفت اخراج شدند و یا در معرض اخراج قرار گرفتند و این شرکتهای به بخش خصوصی منتقل شد. با توجه به این سوابق، کارگران خواهان تضمین امنیت شغلی خویش هستند. کارگران خواهان این هستند که وزارت نفت جمهوری اسلامی رسماً نامه نعمت زاده رئیس پتروشیمی را پس بگیرد و طرح انتقال کارگران را ملغی اعلام کند و امنیت شغلی کارگران را تا زمان بازنشستگی شان تضمین نماید. اما برای وزارت نفت و حکومت اسلامی این تصمیم ساده ای نیست. اولاً يك عقب نشینی در برابر کارگران پتروشیمی میتواند موج اعتراضی را در میان سایر کارگران نیز که با همین مشکل روبرو هستند دامن بزند.

میخواهد با خلاص کردن خود از بخشی از صنایع و شرکتهای کارخانجات دولتی کسری بودجه عظیم خود را به نحوی کمتر کند و امورات خود را از امروز به فردا بگذراند. مشکل مالی برای جمهوری اسلامی بحد مهلکی رسیده است و خود این بحران عظیم مالی و اقتصادی یکی از دلایلی است که حکومت را ناچار میکنند به این ریسک خطرناک یعنی تحریک کردن کارگران نفت که میتواند برایش در شرایط انزجار عمومی مردم از این رژیم و به جریان افتادن جنبش سرنگون سازی حکومت بسیار گران تمام شود، دست بزند.

قاطعیت کارگران و کارکنان پتروشیمی برای مقابله با انتقال خود به بخش خصوصی که کارگران بدست آنرا به معنای بیکارسازیهای وسیع و تشدید سختی شرایط کار میدانند، بر متن این واقعیات، جمهوری اسلامی را در منگنه و مخمصه سختی قرار داده است. جمهوری اسلامی به مفهوم دقیق کلمه نه راه پس دارد و نه راه پیش.

## تعرض کارگران ضروری است

مبارزات و اعتصابات کارگران و کارکنان پتروشیمی اصفهان و خارك اراک تا همینجا نشانه های موفقیت را از خود نشان داده است. مقامات حکومت بدست و پا افتاده اند و با پافشاری کارگران بر لغو تصمیم دولت، چند تن از نمایندگان مجلس اسلامی و موسوی لاری وزیر کشور را به وساطت واداشته اند تا راهی برای آرام کردن کارگران پیدا کنند. آنچه که مهم است اینست که در برابر سیاست حکومت اسلامی دفاع کافی نیست. اولاً این مساله بر سرنوشت همه کارگران صنعت نفت تاثیر مستقیم خواهد گذارد و به همین دلیل ابراز حمایت همه کارگران صنعت نفت با کارگران پتروشیمی مهم و حیاتی است. جمهوری اسلامی باید شاهد این باشد که کارگران نفت همچون تنی واحد عمل میکنند و حمله به يك بخش از کارگران نفت همه را به اعتراض وامیدارد. تشکیل مجامع عمومی کارگران در بخشهای مختلف صنعت نفت و تصویب قطعنامه های حمایت از کارگران پتروشیمی نه فقط بر سرنوشت مبارزه کارگران پتروشیمی تاثیر فوری و تعیین کننده ای دارد، بلکه کل کارگران نفت را در موقعیت بسیار بالاتری قرار میدهد. هیچ چیز طبیعی تر و منطقی تر از این نیست که کارگران بخشهای مختلف صنعت نفت از همکاران خود

## دومین کنفرانس "اول کودکان"

## اول کودکان، چرا و چگونه!

## کنفرانس در مورد امنیت و رفاه کودکان

استکهلم، ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۲۰۰۳

ساعت ۱۰ صبح تا ۵ عصر

\*\*\*

## شب همبستگی با کودکان عراق

استکهلم، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳

ساعت ۷ عصر تا پاسی از شب

Kista Tr-centrum,  
T-bana: Kista centrum,  
Stockholm, Sweden

برای اطلاعات بیشتر در مورد کنفرانس با تلفن، فاکس

یا ای-میل زیر تماس بگیرید:

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۶۷۸۵۱۸۳

فاکس: ۰۰۴۶۷۰۶۱۹۹۰۵۴

kavosh\_mehran@yahoo.se

برای اطلاعات بیشتر در مورد شب همبستگی با تلفن یا

ای-میل زیر تماس بگیرید:

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۶۱۶۲۲۱۱

فاکس: ۰۰۴۶۷۰۶۱۹۹۰۵۴

halale\_taheri@yahoo.com

## طول موج جدید رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

بیمه بیکاری مکفی و قراردادهای جمعی، از حقوق برسمیت شناخته شده کارگران در سطح بین المللی است و حرکت کارگران نفت برای به کرسی نشاندن این حقوق بدون تردید موج وسیعی از حمایت در سطح بین المللی و همچنین از جانب مردم در ایران را بدنبال خواهد آورد و برای جمهوری اسلامی راهی جز عقب نشستن در برابر کارگران باقی نخواهد گذارد. اوضاع سیاسی ایران بیانگر اینست که اگر جدالی بین کارگران و بویژه کارگران صنعت مهم و کلیدی ای مثل نفت با جمهوری اسلامی به جریان افتد، حکومت اسلامی سرمایه داران برنده آن نخواهد بود. \*

در پتروشیمی پشتیبانی و حمایت کنند. چنین همبستگی و اتحادی به کارگران امکان میدهد که از موقعیت دفاع در برابر تهاجم حکومت به امنیت شغلی شان خود را بیرون کشند و با طرح خواستهای فوری خود دست به تعرض بزنند.

ثانیاً تنها راه عقب راندن قطعی حکومت اینست که کارگران علاوه بر خواست لغو انتقال و تضمین امنیت شغلی و غیره که بسیار مهم است، بر حقوق ابتدایی و پایه ای خود نظیر حق اعتصاب و حق تشکیل و بیمه بیکاری مکفی و قراردادهای جمعی با نمایندگان منتخب کارگران پافشاری کنند. حق اعتصاب و حق تشکیل و

## از صفحه ۱ خاورمیانه: میدان اصلی جنگ ...

## در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری شرکت کنید

Tel: 0044 (0) 781 590 2237

Fax: 001 2532703362

e-mail: congress\_4@yahoo.co.uk

ورودی هر نفر برای دو روز جلسه معادل ۴۰ پوند، ۶۵ دلار آمریکا و یا ۶۵ یورو است.

تعدادی امکانات خوابگاهی برای استفاده ناظرین تهیه شده است که بترتیب ثبت نام به متقاضیان اختصاص داده میشود. بها برای هر نفر، شامل صبحانه، نهار و شام، برای هر شب معادل ۴۰ دلار آمریکا، ۲۵ پوند و یا ۴۰ یورو است. برای اطلاع از جزئیات بیشتر تماس بگیرید.

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند. کنگره در نیمه اول دسامبر امسال برگزار میشود. این فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و یا ای میل زیر تماس بگیرید.

اسرائیل و اسلام سیاسی است و پرچم آن در دست کمونیسم کارگری است جلب کنیم.

مردم آزادیخواه جهان باید آمریکا و سایر قدرتهای غربی را برای تحقق چنین خواستههای اساسی ای زیر فشار گذارند: پایان فوری اشغال فلسطین و عراق، پایان فوری سیاستهای قلدری نظامی و محاصره اقتصادی، تشکیل دولت فلسطین، قطع هرگونه حمایت یکجانبه آمریکا و غرب از دولت اسرائیل، قطع هرگونه مداخلات با اسلام سیاسی و جریانهای اسلامی در منطقه، حمایت از مبارزات و تلاشهای مردم منطقه در راستای رسیدن به سکولاریسم و شیوه زندگی مدرن و امروزی و ... این راه واقعی کسک کردن به گسترش آزادی و پیشرفت در خاورمیانه است. سیاستها و سخنان بوش در جهت عکس این مسیر است. \*

کابوس رشد اسلام سیاسی است. پایان دادن به این وضعیت هر روز فاجعه بار کار ماست، کار کمونیسم کارگری و دو حزب کمونیست کارگری در ایران و عراق است. این مائیم که میتوانیم هم در برابر آمریکا و متحدانش و هم در برابر اسلام سیاسی پرچم رهایی را بلند کنیم و نیروی مردم تشنه آزادی و امنیت و رفاه را به دور آن جمع کنیم. مائیم که میتوانیم و باید به عمر اسلام سیاسی در خاورمیانه و نتیجتاً در همه جهان خاتمه دهیم. مائیم که پرچم بیرون بردن کل منطقه خاورمیانه از وضعیت بحرانی و فاجعه بار آن را در دست داریم. مائیم که میتوانیم توجه افکار عمومی بشریت متمدن و آزادیخواه در سراسر جهان را به ضرورت حمایت از مبارزات مردم در ایران و عراق و کل خاورمیانه که همزمان علیه سیاستهای آمریکا و

خاورمیانه و به حساس ترین و بحرانی ترین منطقه جهان کشیده میشود و این انتقال محور جنگ تروریستها تمام دنیا را به مرحله خطرناکتری سوق خواهد داد. امروز این انتقال محور تماماً صورت گرفته و خاورمیانه بالفعل به میدان اصلی جنگ همه جانبه دو قطب تروریسم (آمریکا و متحدان آن از یک سو و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی از سوی دیگر) بدل شده است. ادعای به پیش راندن دموکراسی در خاورمیانه پوچ تر و بی ربط تر از آن است که نیازی به اثبات داشته باشد. آنچه نیازمند اثبات و یا به عبارت دیگر خود اثبات کردن است، به میدان آمدن مردم آزادیخواه در منطقه برای خاتمه دادن به این عقبگرد تاریخی، به پایمال شدن آزادی و امنیت و رفاه و حتی حق حیات مردم و بویژه زنان در منگنه این جنگ و جدال قدرت و زیر

درست بر خلاف آنچه بوش بعنوان نشانه های پیشرفت روند دموکراسی در جاهایی مانند کویت و عربستان و غیره نام برد، دنیا با نگرانی شاهد رشد تحولات سیاسی و تروریستی اسلام سیاسی در خاورمیانه است و این حاصل بلافصل و مستقیم جنگ و قلدری نظامی آمریکا و متحد درجه اول آن در منطقه اسرائیل است. تاخت و تاز اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در عراق بر متن سناریو سیاه ویرانی، ناامنی و فلاکت بی حد و مرزی که حاصل جنگ و اشغال آمریکاست، برنده شدن جریانهای اسلامی در انتخابات اخیر کویت، رشد تروریسم سیاسی در عربستان، گسترش نفوذ حزب الله در لبنان و حماس و جهاد در فلسطین و سیاست ماماشاتی که خود آمریکا در قبال اسلام سیاسی در سطح منطقه در پیش گرفته، گویای این واقعیت اند که سیاست بوش در خاورمیانه نه پیشرفت بلکه پسرفت و عقبگرد سیاسی به ارمغان آورده و وزنه کابوس اسلام سیاسی بر سینه مردم منطقه را سنگین تر کرده است.

از بعد از ۱۱ سپتامبر دو سال پیش، و مشخصاً بدنبال سقوط طالبان، زایه حرکت همزمان آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه اعمال بی پرده و بی پروای قلدری نظامی بوده است. ما همانوقت گفتیم که جنگ دو قطب تروریسم، پس از سقوط طالبان از منطقه افغانستان به

و نارضایتی از فقدان استراتژی، به خنس خوردن قلدری نظامی و انزوای بین المللی روزافزون حاصل از آن، به بحث محافل مختلف هیات حاکمه آمریکا بدل شده است. سردرگمی سیاسی ناشی از بی برنامهگی و بی افقی جمهوریخواهان، که یک بار در انتخابات ۱۹۹۳ (بعد از جنگ اول خلیج) به شکست بوش اول از کلینتون انجامید، بار دیگر بر فضای انتخاباتی سایه انداخته و به شکل تنزل آراء بوش در نظرسنجی ها خود را نشان داده است. همه جا میدیا میگویند سخنرانی بوش واکنش نازل و ضعیفی به تنزل موقعیت و تیره شدن افق انتخاباتی اش در هفته های اخیر است.

از زایه افکار عمومی مردم آزادیخواه و معترض جهان، "تجربه عراق" و کارنامه ۸ ماهه اخیر بوش و متحدانش در پی ۱۲ سال جنگ و بمباران و محاصره اقتصادی، همچنین تجربه مساله فلسطین و حمایت یکجانبه آمریکا از سیاست های فاشیستی دولت اسرائیل که سالهاست خاورمیانه را به پرتگاه جنگ و بحران کشانده، کافی است که به ادعای پوچ او حول "پیش راندن روند دموکراسی در خاورمیانه!" پوزخند نفرت بزنند. مردم اکنون بیش از هر وقت دیگر در پس این ادعاها، تلاش بیپرده در جهت تحقق استراتژی آمریکا برای تحمیل خود بعنوان قدرت فائقه جهان را می بینند.

## از صفحه ۱ کارگران نفت علیه حکومت ...

از سوی دیگر برای ضعیف کردن کارگر نفت و کل طبقه کارگر دست به هر کاری زده و میزنند. جمهوری اسلامی هم بدلیل بحران شدید اقتصادی اش و هم بدلیل وضعیت سیاسی جامعه و نفرت مردم از وی راهی بجز ادامه سرکوب و عقب تر راندن کارگران و مردم در مقابل خود نمیبیند. در مقابل، طبقه کارگر هم برای نجات خود و برای نجات کل جامعه راهی جز سر و سامان دادن به خود برای سنگر بستن و ایجاد تشکلهای سیاسی و در راس آن راه افتادن کارگر نفت باقی نمانده است. همین مبارزه متشکل کارگران پتروشیمی در همین سطح یکبار دیگر نقش کارگر نفت و وحشت رژیم از آن را بسادگی نشان میدهد. کارگران نفت باید متحدانه به میدان بیایند، کل طبقه کارگر و مردم آزادیخواه پشت سرشان خواهند بود.

روش و تاکتیک رژیم در مقابل کارگران بوده و هست. همین حالا اعلام کرده اند که دستمزدها را در سال آینده افزایش نمیدهند تا بتوانند بر متن اعتراضات وسیع کارگران که پیش بینی میکنند بتوانند مثلاً ۱۰ درصد دیگر به دستمزدهای فعلی اضافه کنند و در وضعیت تورم و گرانی موجود کارگران را به باز هم به فلاکت بیشتری بکشانند و کارگران را به خانه بفرستند. حکومت اسلامی در مقابل موج وسیع نفرت مردم و حرکت آنها برای سرنگونی رژیم قرار گرفته است. و در متن چنین شرایطی رژیم بخوبی میدانده که اگر طبقه کارگر و بویژه کارگران صنایع کلیدی مانند نفت پا به صحنه بگذارند و در پیشاپیش جنبش سرنگونی به حرکت در آیند کار رژیم تمام است. بهمین دلیل است که رژیم تلاش دارد از یکسو با احتیاط با کارگران نفت روبرو شود و

انسان و حتی برای تامین حداقل معیشت و حرمتش از دفاع فراتر برود و نیرویش را علیه حکومت به میدان بکشد. جمهوری اسلامی در کنار جنایات و سرکوب هر روزه اش، آنجا که نتوانسته مستقیماً از ابزار سرکوب کاملاً استفاده کند سالهاست در مقابل کارگران تاکتیک ضعیف کردن و نابود کردن قدرت آنها را در پیش گرفته است. گرسنه نگاه داشتن کارگران و خانواده شان، مجبور کردنشان به تنزل دادن توقعات و جان کندن برای گرفتن دستمزدها، بی تامین و نگران از آینده کردن، شقه شقه کردن کارگران، بیکار و باز خرید کردن و رها کردنشان بحال خود، خسته و فرسوده و ناامید کردنشان و تحمیل هر چه بیشتر فلاکت و بی تامينی اقتصادی، و در يك كلام وارد کردن ممكن ترين حد ضربه به قدرت و اتحاد طبقه کارگر

زیر پا نهاده اند و ماشین و کارگر را فلهی با هم به بخش خصوصی میفرشند و هیچ حقی بعنوان انسان برایش قائل نیستند، تشکلهای ممنوع کرده اند و ابتدائی ترین حقوق کارگر در دیگر کشورهای سرمایه داری را از وی گرفته اند، دولت اسلامی هیچ تعهدی در قبال بیکار کردن کارگر و بیمه بیکاری مکفی دادن به وی ندارد، پاسخ خواست پرداخت دستمزدش را با دستگیری و باتوم میدهند و تماماً چشم انداز تامین يك حداقل زندگی که کارگر کرایه خانه اش را بتواند بدهد و بچه اش را به مدرسه بفرستد از وی گرفته اند. در مقابل این وضع، طبقه کارگر در ایران ناچار است برای رویارویی با جمهوری اسلامی و پایان دادن به این حکومت جنایتکار ضد کارگر و ضد

عیار کشانده است، نه تنها کافی نیست بلکه هر روز کارگران را در وضعیت بدتری قرار میدهد. به رژیم باید تعرض کرد، کارگران دیگر نمیتوانند شرایط کار و معیشت و زندگی فعلی شان را ادامه بدهند و به ورطه نابودی کشانده نشوند، وضع موجود زندگی و رفاه و حق و حقوقی برای کارگر باقی نگذاشته است که صرفاً به دفاع از آن بسنده کرد. کارگر در هر نظام سرمایه داری دانتما مجبور است برای امنیت و رفاه و آسایش نسبی اش مبارزه کند و دارد میکند، اما در جمهوری اسلامی دیگر کارگر حتی برای تامین نان بخور و نمیر دارد هر روز قربانی میدهد و با خیل اوپاش پاسدار و کل دستگاه حکومتی مواجه میشود. نانش را به گرو گرفته اند، حرمتش را

## از طالبان تا جمهوری اسلامی افغانستان!

علی جوادی



از قوانین رژیم اسلامی ایران تدوین شده است. با يك تفاوت که در اینجا از ولایت قبیله خبری نیست. بی جهت نیست که مردگان دوم خردادی و مرتجعینی چون مسعود بهنود به دفاع از این مجموعه ضد انسانی پرداختند. آن را "نوید زندگی آزاد" و "الگوی تازه از مردم سالاری مذهبی" مورد نظر خود دانستند. شادمانی و پایکوبی کردند که اکنون جمهوری اسلامی افغانستان يك نمونه عملی و در حال پیاده شدن حکومت مورد نظر این جماعت است.

### دمکراسی خاورمیانه ای

آنچه در افغانستان جاری است نمونه بارز و گویایی از اهداف و الگوی حکومتی است که آمریکا و غرب در خاورمیانه دنبال میکنند. این معنای عملی "دمکراسی خاورمیانه ای" مورد نظر آنهاست. در این دمکراسی خبری از آزادی احزاب نیست. آزادی احزاب مشروط به انطباق با مبانی "اسلام" است. در این جوامع زن برابر است اما بر مبانی قوانین لایتغیر اسلام! در این دمکراسی نظام اداری جامعه بر مبانی جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش و کلیه قوانین استوار نیست. دین و اصول مذهبی جزء اصلی نظام حاکم است. در این مجموعه نظام قضایی کشور تماما تحت تابعیت قوانین شرع و اسلام است. در این مجموعه از آزادی انتخابات خبری نیست، انتخاب شوندهگان باید مجری قوانین اسلامی باشند. این الگوی کشور سازی مدل آمریکا در دوران نظم نوین جهانی است. "دمکراسی خاورمیانه ای" تکرار همان مزخرفات جمهوری اسلامی دوم خردادی و "دمکراسی دینی" است. شکلی از دمکراسی در عصر نظم نوین جهانی است که برای کشورهای اسلام زده تدارک دیده اند.

دمکراسی در طول تاریخ اشکال مختلفی به خود گرفته است. اما دمکراسی خاورمیانه ای هیچ قرابت و نزدیکی با دمکراسی غربی یا دمکراسی لیبرال یا دمکراسی مستقیم ندارد. مبانی و مفاهیم

**جمهوری اسلامی افغانستان**  
دو سال پس از سقوط شدن طالبان اکنون پیش نویس قانون اساسی جدید افغانستان برای تصویب در مجلس مرتجعین و روسای قبایل، لویه جرگه، آماده شده است. در این قانون اساسی نظام آنتی افغانستان "جمهوری اسلامی" تعیین شده است. همانند جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران. کلیه قوانین کشور به تبعیت و عدم مخالفت با "دین مقدس اسلام" مقید شده اند. اسلام را دین رسمی جامعه اعلام کرده اند. تشکیل احزاب سیاسی منوط به متناقض نبودن برنامه و اهداف آنها با "احکام دین مقدس اسلام" شده است. از دولت خواسته شده است که بمنظور "از میان بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام" اقدامات لازم را در دستور قرار دهد. قوانین کثیف و ضد زن شرع اسلام مبنا "حقوق زن" در جامعه قرار گرفته اند. "مسلمان بودن" و اداره امور جامعه بر مبنا "احکام دین مقدس اسلام" از جمله وظایف مقامات اداری تعریف شده است.

آموزش و پرورش و کلیه مضامین آموزشی نیز در جامعه بر اساس "مبانی مذاهب اسلامی موجود در افغانستان" باید تبیین شوند. دادگاهها و قوه قضاییه باید تماما اسلامی و تحت تابعیت قوانین اسلام باشند. و بمنظور محکم کاری اعلام کرده اند که "اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری تعدیل نمیشود" و غیر قابل تغییر است. در این قوانین جامعه با هزار بند و قفل به قوانین اسلام تنیده شده و گره خورده است. حال در تلاشند تا این مجموعه تماما ارتجاعی را به مردم ستمدیده افغانستان حقه کنند. در عین حال اعلام کرده اند که این قوانین کاملا مبتنی بر مبانی "حقوق بشر" است. و تحت این قوانین افراد جامعه در "مقابل قانون" ارتجاع اسلامی برابرند؟ در کنار این تلاشها نیز این کانگسترهای اسلامی کماکان مشغول تولید و توزیع مواد مخدر هستند.

قوانین اساسی پیشنهادی با الهام

دو سال از سرگونی حکومت اسلامی طالبان میگذرد. باندهای کانگستر مواد مخدری که با حمایت مرتجعین پاکستانی و عربستان سعودی و خود آمریکا با سلاح کشتار و ارباب و ترور هر روزه فقط قادر به بقا کثیف خود بودند از هم فروپاشیدند. مردمی که سالها قربانی آدمکشی و زن ستیزی وحشیانه این کثافات اسلامی بودند با فرار طالبان به جشن و پایکوبی پرداختند. هزمت طالبان از کابل و سایر شهرهای افغانستان با موجی از شادی مردم تشنه رهایی و خلاصی از بساط آدمکشان اسلامی طالبان همراه بود. مردها برای تراشیدن ریش ها در سلمانی ها صف کشیدند. نوار آزاد شد و صدای موسیقی در کابل شنیده شد. برخی از زنان نیز برقع این سمبل بردگی و تحقیر زن را به گوشه ای پرتاب کردند. در هم شکسته شدن طالبان يك شکست برای نیروهای اسلام سیاسی در منطقه بود. در تهران مردم در اعتراضات فریاد زدند پس از کابل نوبت طالبانهای تهران است!

طالبان در پس يك کشمکش سریع و تهاجم نظامی آمریکا سقوط کرد. بدون حمله نظامی هم حتی با عدم حمایت این نیروها متلاشی میشد و در هم فرو میریخت. با فرار طالبان اما تلاشهای نیروهای مرتجع قومی و اسلامی برای شکل دادن به يك حکومت ارتجاعی اسلامی و قومی دیگر در افغانستان بالا گرفت. طالبان فروپاشید اما جریانات مرتجع اسلامی "جبهه شمال" که خود پرونده خونینی در کشتار و جنایت و زن ستیزی داشتند وارد کابل شدند و امور را در دست گرفتند. طالبان فرار کرد اما تمام مرتجعین محلی، روسای قبایل، خانهای تا دندان مسلح و مجموعه ای از دست نشانندگان ارتجاع منطقه و آمریکا و غرب برای تحمیل و حقه کردن آلترناتیو مورد نظرشان به مردم به تلاشهای خود شدت بخشیدند. در لویه جرگه گرد هم آمدند و کزای متحد اولیه طالبان و مورد تایید پاکستان را بر مصدر امور قرار دادند.

گفتیم که دشمنی آمریکا با طالبان را بر دوستی شان ترجیح میدهم. اما در همان حال اعلام کردیم که هدف این جنگ از جانب آمریکا حذف اسلام سیاسی نیست. گفتیم که این جنگ قدرت است، نه تلاشی برای نابودی اسلام سیاسی و زدن حاکمیت اسلام سیاسی در این گوشه از جهان. ما گفتیم که آمریکا و غرب به دنبال تامین هژمونی خود بر اسلام سیاسی و تعیین مقررات و توافقات حاکم بر این جدال و کشمکش هستند. از نظر آمریکا اسلام میتواند باشد، میتواند بر سرنوشت مردم حاکم باشد، میتواند قتل کند، ترور کند، دست قطع کند، و آدم به دار بکشد، مشروط بر آنکه ضد آمریکایی نباشد. مشروط بر آنکه زیاد نکشد تا سر و صدای مردم را در هر گوشه جهان در بیآورد. مشروط بر آنکه غلط زیادی و اقدامی مانند ۱۱ سپتامبر نکند. ما گفتیم که آمریکا و غرب در پی ایجاد يك دمکراسی غربی در خاورمیانه نیستند. بلکه بر عکس میکوشند طیفی از اسلامیهستتها را در قالبی جدید بر سرنوشت مردم حاکم کنند. ما گفتیم که پیروزی نظامی آمریکا در افغانستان و عراق کانونهای قدرت اسلام سیاسی را همچنان دست نخورده باقی خواهد گذاشت. ما گفتیم که تروریسم اسلامی در پس این اقدامات نه تنها تضعیف نخواهد شد بلکه تقویت شده و از زخمهای جدیدی که ایجاد میشود مانند انگل بهره برداری خواهند کرد. و گفتیم که باید در مقابل این تلاشهای آمریکا و غرب برای حقه کردن "دمکراسی خاورمیانه ای" ایستاد.

موجود در آن کاملا در تناقض با مبانی پایه ای لیبرالیسم قرار دارند. این دمکراسی آنتی تر ظلم و استبداد و حتی نابرابری حقوقی زن و مرد نیست. این دمکراسی نه بر مبنا آزادی بیان، حق تشکل و تحزب و اعتصاب بلکه بر مبنا نفی آزادی بیان و تشکل و هر آنچه که اسلامی نیست بنا شده است. دمکراسی خود اساسا ربطی به آزادی و رهایی انسان نداشت. آزادی انسان را در نهایت در چهار چوب مناسبات حاکم طبقاتی و سرمایه به بند میکشید. در قبال مناسبات اقتصادی "ظاهرا" کور بود. اما وضعیت مناسبات اقتصادی، حاکمیت سرمایه، نقش و جایگاه دولت، تقسیم جامعه به طبقات فرودست و بالادست را فرض میگردد. "دمکراسی خاورمیانه ای" بر خلاف دمکراسی لیبرالی آنتی تزی برای مذهب و دستگاه مذهب نیست بلکه اساسا مبتنی بر دخالت مذهب در زندگی مردم و جامعه است. امروز بورژوازی غرب و آمریکا در صدد شکل دادن به این نوع از دمکراسی در خاورمیانه هستند. جنگ بوش در خاورمیانه در عین حال تلاشی برای تحکیم این الگوی حکومتی است. بی جهت نیست که بوش در سخنرانی خود از تطابق اسلام و حقوق بشر و "آرزوهای خودی این جوامع" نام میبرد. این الگوی حکومتی بیان سیاسی سازش و توافق غرب با بخشهایی از اسلام سیاسی در منطقه است.

آنچه در افغانستان در شرف شکل گیری است نشاندهنده صحت احکام و ارزیابی ما از تلاشهای غرب در دخالت نظامی در افغانستان است. ما گفتیم جنگ آمریکا علیه اسلام، سیاسی جنگی بر سر اسلام، لیبرالیسم و دمکراسی غربی و آزادی و امنیت و یا امنیت و آسایش مردم یا علیه تروریسم نیست. ما گفتیم که شر طالبان باید از سر مردم کم شود. \*  
سینه ها حبس کند. \*

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!